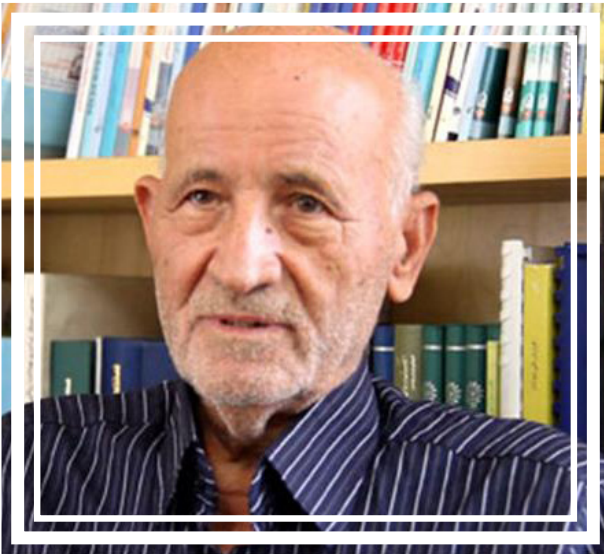


# با پیشکسوتان:

گلناز موسوی



دکتر «احمد صافی» با بیش از نیم قرن تجربه در چرخه آموزش، از دبستان گرفته تا دانشگاه، وزارت خانه و عضویت در شورای مجلات آموزشی به یکی از فرهیختگان آموزش تبدیل شده است. چندی پیش، در ملاقاتی کوتاه، نظرات و تجربیات آموزشی ایشان را در ابعاد مختلف جویا شدیم.

ابتدا می‌خواهم با توجه به این که شما در حوزه نشر مجلات نیز فعالیت داشته‌اید به سراغ مجلات بروم؛ لطفا شماره‌های مختلف نشریه «مدرسه‌ما» را ملاحظه کنید و بفرمایید، نظر تان در مورد مجلات آموزشی و لزوم چاپ مجلاتی از این دست چیست؟

همان‌طور که می‌دانید وزارت آموزش و پرورش گسترده‌ترین وزارت خانه در ایران است. طبیعتاً وقتی جمعیت دانش‌آموزان زیاد است آن‌ها برای یادگیری و معلمان برای یاددهی به روش‌های متعدد نیاز دارند که در دو بخش کلی یعنی آموزش مستقیم و غیرمستقیم جای می‌گیرند. آموزش مستقیم یا رسمی در کلاس با کتابی معین، در زمانی محدود و طبق اصولی خاص صورت می‌گیرد و در پایان امتحان گرفته می‌شود که البته کافی نیست؛ چون تنها بخشی از مطالب را می‌توان به صورت نظام‌یافته و طی زمانی مشخص آموزش داد. برای آموزش غیرمستقیم با تجاربی که من از کشورهای مختلف دارم نشریات هم برای معلمان، هم برای دانش‌آموزان و هم برای خانواده‌ها بسیار سازنده است. هم‌چنین مدرسه مثلثی است که ضلع اول و اصلی آن را دانش‌آموز، ضلع دوم را معلمان و برنامه‌ها و ضلع سوم را خانواده تشکیل می‌دهد. اگر این سه با هم پیوند برقرار کنند، بازدهی بهتری خواهند داشت؛ مجله یکی از راه‌های پیوند این سه ضلع است.

چگونه می‌توانیم مجله‌های مفیدتری داشته باشیم؟

اول: مجله باید به زبان ساده و متناسب با سن مخاطب نوشته شود. دوم: آخرین اطلاعات جدید را داشته باشد و مطالب تکراری در آن قرار نگیرد. سوم: معلم و مدیر مدرسه در آن مجله قلم بزنند و سخن بگویند. یعنی یک

اما اصل، معلم است؛ معلم سرباز تعلیم و تربیت است. او باید به شاگردان خود اجازه خلاقیت و ابراز وجود بدهد. لذا ما از معلمان خلاق می‌خواهیم که خودشان به بچه‌ها میدان بدهند، میدان دادن به دانش‌آموزان، هر چند دشوار است اما زمینه‌ساز بروز خلاقیت می‌شود.

بعد آن معلمان و کارکنان مدرسه باشند و گاهی حتی خانواده‌ها. سه زبان را باید در مجلات به‌خصوص اگر برای مقطع ابتدایی هست، تقویت نمود:

۱- زبان شعر ۲- زبان قصه ۳- زبان نقاشی

مجله‌ای که به شعر، نقاشی و زبان رنگ‌ها اهمیت می‌دهد، مجله ارزشمند و زیبایی خواهد بود.

هم‌چنین معتقدم باید قسمتی از مجله به معرفی کتاب برای معلمان، بچه‌ها و خانواده‌ها اختصاص یابد. قسمتی هم به شعرهایی از شعرای برجسته مثل رودکی، سنایی، حافظ، سعدی و ...

مثل این شعر از سنایی که می‌گوید:

سال‌ها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

ماه‌ها باید که تا یک پنبه‌دانه ز آب و خاک

شاهدی را حله گردد یا شهیدی را کفن

عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع

عالمی گردد نکو، یا شاعری شیرین سخن

چنین اشعار مرتبگی با بحث آموزش باید در کتاب‌ها و مجلات باشد. هم‌چنین سرگذشت انسان، دانش‌آموز موفق، دانشجو، مدیر، معلم و ... که با داشتن چنین مواردی مجله سودمندتر و اثربخش‌تر خواهد بود.

اشاره به سه ضلع آموزش کردید، به سال‌های دورتر یعنی دوران معلمی شما بازگردیم، از آن دوران چه خاطره‌ای به یاد دارید؟

در شهر بروجرد من پنج سال معلم کلاس اول ابتدایی بودم. روز اول تدریس، در کلاس تنها به بچه‌ها نگاه

کردم. ناگهان یکی از بچه‌ها بلند شد و از کلاس فرار کرد. بعد از ظهر آن روز پدر بچه در حالی که دست او را در دست داشت به مدرسه آمد. مدیر من را صدا کرد، پدر بچه و مدیر هر دو مرا نصیحت کردند که بچه‌ها تازه به مدرسه آمده‌اند و امروز، اول سال تحصیلی است، محبت کن و توجه بیشتری به این بچه داشته باش. با این که هفده ساله بودم گفتم چشم آقای مدیر! چون شما تاکید می‌کنید از فردا بیشتر به او توجه خواهم کرد؛ اما وقتی به کلاس رفتم، نه درس دادم، نه حرفی زدم، نه تنبیه کردم، فقط به بچه‌ها نگاه کردم ولی او فرار کرد! پس این بچه مشکلی دارد، چرا بچه‌های دیگر فرار نکردند؟ بر این اساس بعدها من کتاب «شش ساله‌ام» و کتاب‌های بعدی را نوشتم.

### و یک توصیه برای معلمان ما؟

توصیه‌ام این است که معلم باید به دانش‌آموزان فرصت استفاده از درس را بدهد و شش بعد کودک را اساس کار قرار دهد، که اول: رشد جسمانی، دوم: رشد عاطفی بچه‌ها، احتیاج همه پوشاک و غذا تنها نیست

من به امنیت خاطر چو غذا محتاجم

من محبت ز شما می‌خواهم

دل پاک من از این عاطفه لبریز کنيد

سوم: رشد اجتماعی بچه‌ها. احترام به هم، با یکدیگر کار کردن، با هم نمره گرفتن، کار گروهی انجام دادن و ... چهارم: رشد اخلاقی و مذهبی بچه‌ها، پنجم: رشد علمی آن‌ها که در کشور ما آموزش بیشتر بر این اساس است. ششم: فعالیت‌های خلاقانه و دست‌ساز.

فرقی که با کشورهای دیگر مثل ژاپن داریم این است که آن‌ها تئوری و عمل را با هم دارند ولی ما فقط به تئوری تکیه داریم. ما باید آزمایشگاه و کارگاه برای بچه‌ها درست کنیم که در این صورت موفق‌تر خواهیم بود.

تعریف تربیت، رشد هماهنگ ابعاد وجود است. مدرسه خوب باید این ابعاد را در کنار هم بگذارد؛ پس توصیه اول: باید یک بُعدی نه، چند بُعدی بود. دوم: از ابتدا، بچه‌ها روی یک چیز متمرکز شوند و بیشتر کار کنند؛ زیاد پراکنده فعالیت نکنند. سوم: این که از کودکی، معلم استعدادهای آن‌ها را کشف کند. چهارم: با راهنمایی معلم و خانواده، پایه‌های درسی بچه‌ها مثل پایه‌های ساختمان قوی شود. پنجم: باز دیده‌های علمی.

**باز دیده‌ها چگونه می‌تواند در پرورش و آموزش بچه‌ها موثر باشد؟**

یک خاطره تعریف می‌کنم تا متوجه شوید. در ژاپن وارد یک پیش‌دبستانی شدم، گفتم: «آمده‌ام کارهای جدید شما را

بینم.» معلم گفت: «در حال حاضر بچه‌های پنج ساله در حال تی کشیدن هستند. هر کدام از بچه‌ها گلدانی دارند که به آن آب می‌دهند و مواظبش هستند.» بعد از آن، همراه با مربی و دانش‌آموزان به بیرون از مدرسه رفتیم، به بانکی رسیدیم که قبلاً با رییس آن هماهنگ کرده بودند. او برای بچه‌ها صندلی گذاشت و وقتی نشستند پس از خوش آمدگویی درمورد پس‌انداز صحبت کرد و برای آن‌ها دفترچه پس‌انداز باز کرد. فواید آن را گفت و درمورد شغل خود و هم‌کارانش توضیح داد. به این صورت، مربی آشنایی با مشاغل را به بچه‌ها آموزش می‌داد و بچه‌ها به راحتی در یک فضای ملموس و متفاوت آن را فراگرفتند.

### در آموزش و پرورش ما چه قدر به این فعالیت‌ها در جهت پرورش خلاقیت بچه‌ها توجه می‌شود؟

آموزش و پرورش فقط در حرف و در طرح‌های نوشته شده به این امر تاکید می‌کند ولی در عمل بسیار فاصله دارد.

### دلیل این فاصله چیست؟

چون افرادی که این طرح‌ها را ارائه می‌دهند بیشتر در راس امور هستند و در متن نیستند بنابراین به جزئیات آموزش، تسلط کافی ندارند. اما اصل، معلم است؛ معلم سرباز تعلیم و تربیت است. او باید به شاگردان خود اجازه خلاقیت و ابراز وجود بدهد. لذا ما از معلمان خلاق می‌خواهیم که خودشان به بچه‌ها میدان بدهند، میدان دادن به دانش‌آموزان، هر چند دشوار است اما زمینه‌ساز بروز خلاقیت می‌شود. وقتی فضا را برای تلاش بچه‌ها آماده کنید خلاقیت‌های آن‌ها بروز پیدا می‌کند. هر چند استعداد، فطری است ولی فعلیت آن را می‌توان بارور کرد.

### یک مدیر چگونه می‌تواند به معلمان انگیزه بدهد؟

مدیریت، هنر و علم به کارگیری نیروها است؛ مدیری که همه کار انجام می‌دهد، مدیر نیست. مدیری که به کار می‌گیرد، مدیر است. به نظرم برای رسیدن به این هدف، راه اول: تشویق است که عامل محرکی برای همه خواهد بود. راه دوم: توجه به نیاز مالی معلمان؛ حقوق معلمان در برابر هزینه‌های زندگی بسیار کم است. راه سوم: تکریم معلم. راه چهارم: مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری‌ها و نظر گرفتن از آن‌ها. راه پنجم: مشورت با معلم برای برنامه‌ها. راه ششم: افزایش دانش و بازآموزی معلمان.

وقتتان کم است و سوالات ما بی‌شمار؛ امید آن که مسئولین و معلمان ما بتوانند نگاهی موشکافانه‌تر به آموزش و شیوه‌های نوین آن داشته باشند.

آموزش مستقیم  
یا رسمی در  
کلاس با کتابی  
معین، در زمانی  
محدود و طبق  
اصولی خاص  
صورت می‌گیرد  
و در پایان  
امتحان گرفته  
می‌شود که البته  
کافی نیست؛  
چون تنها  
بخشی از مطالب  
را می‌توان  
به صورت  
نظام‌یافته و  
در طی زمانی  
مشخص  
آموزش داد.  
برای آموزش  
غیرمستقیم با  
تجاریبی که من  
از کشورهای  
مختلف دارم  
نشریات هم  
برای معلمان،  
هم برای  
دانش‌آموزان  
و هم برای  
خانواده‌ها بسیار  
سازنده است.